

عنوان مقاله:

تحلیل بینامتنی مضامین و روایات اساطیری- حماسی در شعر پیشگامان رئالیسم سوسیالیستی افغانستان (با تکیه بر نظریه بینامتنیت ژرار ژنت)

محل انتشار:

مجله ادبیات پارسی معاصر، دوره 12، شماره 2 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 27

نویسندگان:

محمد دانشگر - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی ره

سید علی قاسم زاده - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

رضا چهرقانی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

خلاصه مقاله:

شعر رئالیسم سوسیالیستی افغانستان، از نظر کمیت تولید هنری و توجه به مسائل ایدئولوژیک، نوگرایی و تعهد اجتماعی- سوسیالیستی، از پربارترین جریان های شعر فارسی معاصر افغانستان است که شاعران این جریان از گونه های مختلف عناصر تصویرساز، مفاهیم سوسیالیستی و نمادهای فرهنگی شده، با تفاوت بسامد، سود برده اند. نمادهای اساطیری- حماسی، بخشی از مضامین و تصویرهای شعر این جریان است که شاعران برگزیده رئالیسم سوسیالیستی افغانستان این نمادهای روایت دار را در تصویرپردازی و مضمون آفرینی به کار بسته اند. براین اساس، پژوهش حاضر به روش توصیفی- تحلیلی، مبتنی بر آرای بینامتنی ژرار ژنت، روند بازآفرینی روایات و مضامین اساطیری- حماسی را در شعر رئالیسم سوسیالیستی افغانستان با تکیه بر اشعار «سلیمان لایق، بارق شفیع، دستگیر پنجشیری، اسدالله حبیب و عظیم شهبال» بررسی و تحلیل می کند. یافته های این جستار نشان می دهد که شاعران شعر سوسیالیستی افغانستان، مضامین و روایات اساطیری- حماسی را اغلب به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک، به صورت تلمیحی، اشاری، کنایی و تشبیهی بینامتنیت ضمنی و ارجاع بینامتنیت صریح بازنویسی کرده و از ظرفیت محتوایی و زیبایی شناختی اساطیر در بازتاب اندیشه های سیاسی- اجتماعی خود بهره برده اند.

کلمات کلیدی:

شعر سوسیالیستی افغانستان، مضامین اساطیری- حماسی، بینامتنیت، ژرار ژنت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1644103>

